

# جاده آبرش

یادنامه یادرفنگان

هفته نامه

• Saturday  
• Dec 5, 2020  
• No. 172  
• Vol.5  
• Price: 15 Afg

• سال پنجم  
• شماره ۱۷۲  
• شنبه ۱۵ قوس ۱۳۹۹  
• قیمت، ۱۵ افغانی

www.jade-abresham.com

## تفاوت سیاست خارجی افغانستان و پاکستان افغانستان؛ وابستگی/ پاکستان؛ بقا به بهای ویرانگری

رئیس جمهور غنی در حکومت وحدت ملی در سیاست خارجی اش را در قبال پاکستان با رویکرد جدید مبتنی بر تنش زدایی آغاز کرد. هرچند وی در صدد بود تا صفحه جدید در روابط دیپلماتیک دو کشور باز کرده و بی اعتمادی بین دو کشور را از بین ببرد، اما وی نیز همانند سلف خود حامد کرزی در تامین این مهم ناموفق بود.

رئیس جمهور غنی در آغاز حکومت وحدت ملی تفاهم نامه همکاری های استخباراتی را با پاکستان امضا کرد. حکومت وی می خواست اعتماد پاکستان را در پروسه صلح جلب کرده و گروه طالبان را به میز مذاکره حاضر کند، اما...

۲

## طوایف هزاره در نامه برازنده به سلطان محمود

بrazنده پادشاه مستقل غور و غرjestان (هزارستان) در قرن چهارم هجری بود. وی معاصر و رقیب سیاسی سلطان محمود غزنوی بوده است. شعرنامه ای به برازنده منسوب است که ایشان به سلطان محمود فرستاده و باج دادن به وی را برای خود اهانت و آثرا محال خوانده است. در این نامه تاریخی، سیاسی و ادبی که به سبک شاهنامه سروده شده است، نابترین واژگان فارسی و ...

۷

## ده روز تحصن در بامیان؛ آب از آب تکان نخورد



ده روز از تحصن کنندگان بامیان می گذرد، اما هنوز آب از آب تکان نخورده و حکومت مرکزی به خواست آنان توجه نکرده است.

یک روز پس از وقوع فاجعه خیمه تحصن توسط فعالان مدنی و باشندگان بامیان در نزدیکی دفتر والی و مقرر فرماندهی پولیس این ولایت...

۷

## مردم در انتظار عدالت؛ کمیسیون محافظت از مدافعان حقوق بشر در افغانستان ایجاد شد



کمیسیون محافظت از مدافعان حقوق بشر به رهبری معاون دوم رئیس جمهور و همچنان با عضویت معاونان وزارت داخله، ریاست امنیت ملی، نمایندگان باصلاحیت دادستانی کل، دادگاه عالی، کمیسیون مستقل حقوق بشر، وزارت امور زنان و کمیته مدافعان حقوق بشر ایجاد شده است...

۲



# پرچم دادان نخورد

آتش بس فوری و کاهش خشونت باید خواست هیئت دولت افغانستان از گروهی باشد که پرچم ترور را در جهان در اهتزاز در آورده است

۲

## سینمای افغانستان؛ مصرف کننده یا تولید کننده؟ «نگاه حکومت به سینما شبیه کالای تفریحی است: ساخت و ساز فیلم اولویت ندارد»

هدفش راضی ساختن مخاطب خاص خودش می باشد. سینما در یک کشور از چه اهمیتی برخوردار است؟ این برمی گردد به سیاست های آن کشور که دولت و سیاستمداران آن و مردم آن تا چه حدی سینما و ماهیت سینما را شناخته اند. کشورهایی که در آن درصد مطالعه

۶



چه تعریفی از سینما دارید؟ سینما یعنی تصاویر متحرکی که ذهن مخاطب خود را در اختیار می گیرد تا به وسیله جلوه های تصویری پیام خود را به مخاطب انتقال دهد. چند نوع فیلم داریم؟ جای خواننده بودم که این فیلم عامه پسند است.

اگر از این منظر به فیلم نگاه کنیم به دو دسته تقسیم می شود: یکی فیلم هایی که برای فستیوال ها ساخته می شود و عموماً مخاطب خاص خود را دارد. در ساخت این فیلم ها سعی می شود تا از بالاترین و به روزترین علوم سینمایی استفاده شود. چنین فیلم هایی شاید در بازار فروش چندانی نداشته باشد و با شکست مالی مواجه شوند. اما همین فیلم ها از نظر علمی ارزش بالایی دارد و در دانشگاه ها تدریس می شود.

بخش دیگری از فیلم ها هستند که بیشتر برای سینماها و مخاطب عام ساخته می شود که اصطلاحاً به آنها فیلم های گیشه ای می گویند. هدف این نوع فیلم ها بیشتر بدست آوردن گول است. در این نوع فیلم ها از تکنیک های بسیار بالای سینمایی و علوم سینمایی بالا خیلی دیده نمی شود به دلیل این که برای مردم عام جامعه ساخته می شود و

## یاسوسیاالیسم یا توحش

(صحبت عظیم بشرمل در محفل رونمایی کتاب  
«یا سوسیاالیسم یا توحش» نوشته ی عتیق اروند)



۴

بخش نخست

بعضی ها می گوید جنبش چپ در افغانستان آهن سرد می کوبید، زیرا ایجاد یک جامعه سوسیالیستی برابانه در دل یک مناسبات سنتی و فتودالی امکان پذیر نبود. نویسنده می خواهد به آنها پاسخ بدهد که سرمایه داری در افغانستان رشد کرده بود. انباشت اولیه صورت گرفته بود. سرمایه مالی شکل گرفته و تبدیل به سرمایه صنعتی شده بود. ما در مرحله ی قراردادشتم که در آن یک جامعه سوسیالیستی تحقق پیدا می کرد.

## پرچم داران ترور

آتش‌بس فوری و کاهش خشونت باید خواست هیئت دولت افغانستان از گروهی باشد که پرچم ترور را در جهان در اهتزاز آورده است



دکتر محمد احمدی

طالبان افغانستان را به قربانگاہی تبدیل کرده‌اند که جوی بار خون در هر کوچه‌وپس‌کوچه جاری است. این گروه با تشدید جنگ و خشونت و شعار شریعت اسلامی جنایت و کشتار شان را توجیه می‌کنند.

در روزهای که گفته می‌شود بن‌بست مذاکرات صلح در طرزالعمل شکسته و طرفین روی اجندا صحبت می‌کنند، اما این گروه دست از خشون و خشونت بر نداشتند. حمله طالبان در غزنی، پکتیا و برخی نقاط کشور نشانی از درنده‌خویی و روحیه وحشی‌گری این گروه است.

بخش از تشدید خشونت‌های طالبان آنهم در جریان مذاکرات صلح به این مساله بر می‌گردد که آنان تلاش دارند تا به حد اکثر فشار از طریق خون و خشونت، کشورهای منطقه و خصوصا ایالات متحده آمریکا را وادار کند که افغانستان را به دست این گروه بسپارد و «امارت اسلامی» آخرین راه‌حل این کشور است.

طالبان هنوز هم به این باورند که آمریکا را با خود دارد و از موضع این گروه در گفتگوهای صلح بین‌افغانی حمایت می‌کند تا بار دیگر در افغانستان یک حکومت اسلامی شکل بی‌گیرد. حکومتی که رهبری آن به دست گروه تروریستی طالبان و یا اکثر چهره‌های بنیادگرا و افراطی قرار گیرد.

طالبان فکر می‌کنند که آمریکا با آگاهی از پیشینه تاریخی افغانستان مبنی بر اینکه افغان‌ها در راه قومیت و اسلامیت میلیون‌ها انسان را از دست داده تا از استیلای بیگانگان بر اسلام جلوگیری نمایند، ممکن به این نتیجه رسید باشد که در این کشور بستر مناسب برای حکومت‌های که ارزش‌های دموکراسی، حقوق بشر و آزادی بیان و زنان را با خود یدک می‌کشند نیست و هرگز نظام‌های دموکراتیک در این کشور استقرار نمی‌یابد.

ترامپ و باید هردو معتقدند که ملت‌سازی در افغانستان ممکن نیست و دیگر کاری به این مساله هم ندارند و بایستی حکومتی در این کشور روی کار آید که منافع آمریکا را در منطقه و جهان تامین کنند. ایالات متحده تلاش دارد تا نیروی جنگجو و خشن مانند طالبان در این کشور روی کار آید که در ظاهر پوشش اسلامی داشته باشد و شعار تطبیق شریعت اسلامی را سر دهند، اما در پشت پرده تضمین کننده منافع آمریکا باشد.

جو باید، رییس جمهور جدید ایالات متحده آمریکا نیز تا کنون در مورد افغانستان هیچ اظهار نظری نکرده‌اند که با حکومت کنونی و گروه تروریستی طالبان چه سیاستی را در پیش خواهد گرفت. در حالی که در مورد ایران گفته که به برجام بر می‌گردد.

در چنین شرایطی تنها راه حل حکومت کنونی که شعار جمهورییت، حفظ دستاوردهای دو دهه اخیر را سر می‌دهد این است که بایستی علیه فساد، قوم‌گرایی و انحصار قدرت مبارزه کند به حقوق بشر، حقوق زنان و آزادی بیان احترام بگذارد، از اختلاس و حیف و میل میلیونی کمک‌ها جلوگیری کند.

در صورتی که حکومت کنونی بر طبل انحصار قدرت بکوبد، تردیدی وجود ندارد که بار دیگر امارت اسلامی طالبان روی کار آید. زیرا ظهور طالبان عوامل داخلی و خارجی داشت که مجاهدین روی تشکیل حکومت اسلامی به توافق نه رسیدند: یکم- ژست اسلامی طالبان که ظاهر دینی داشتند و شعار امنیت و عدالت را سر می‌داند که فعلا نیز شعاری را در قطر سر می‌دهند.

دوم- انزجار مردم از جنگ و خون‌ریزی که همه روزه از مردم ملکی و بی‌گناه قربانی می‌گیرند. مردم واقعا از جنگ و خون و خشونت خسته شده‌اند.

سوم- ایجاد یاس بر سر توافق مجاهدین برای تشکیل حکومت اسلامی که در شرایط کنونی نیز توفیقنامه سیاسی بین عبدالله و غنی عملی نشده و تنش‌های سیاسی هم‌چنان پا برجا است.

چهارم- مساله قومی و نژادی طالبان که این گروه متعلق به قومی است که ظاهرا خود را اکثریت می‌دانند و قدرت را نیز در اختیار دارند. بنابر این اکثریت جامعه پشتون و برخی رهبران سیاسی شان طرفدار برگشت طالبان است.

پنجم- سرازیری شدن پول‌های هنگفت برای طالبان به منظور جذب افراد بیشترکه فعلا نیز طالبان کمک‌های هنگفت مالی از القاعده و برخی کشورهای قدرتمند دریافت می‌کنند.

فاکتورهای که ذکر گردید می‌تواند امکان و حتی امتناع گفتگوهای صلح را به نفع طالبان رقم بزند، اما حکومت تنها مبارزه علیه فساد، تشکیل حکومت فراگیر و همه‌شمول، حل تنش‌های سیاسی و ایجاد شورای عالی مصالحه ملی می‌تواند کشورهای کمک‌کننده و خصوصا اتحادیه اروپا را قناعت دهد که طالبان هیچ راهی جز پذیرفتن قانون اساسی و نظام مبتنی بر جمهورییت را ندارد. مردم افغانستان در این مسیر قربانی‌های بی‌شماری داده‌اند و خون‌های زیادی ریخته‌اند شده‌اند. نه باید بار دیگر گروه تروریستی طالبان روی کار آید که در آغاز برای کشتار و ویرانی ظهور کرده است.

## مردم در انتظار عدالت؛

## کمیسیون محافظت از مدافعان حقوق بشر در افغانستان ایجاد شد

جاده ابریشم: کمیسیون محافظت از مدافعان حقوق بشر به رهبری معاون دوم رییس جمهور و همچنان با عضویت معاونان وزارت داخله، ریاست امنیت ملی، نمایندگان باصلاحیت دادستانی کل، دادگاه عالی، کمیسیون مستقل حقوق بشر، وزارت امور زنان و کمیته مدافعان حقوق بشر ایجاد شده است.

در صفحه رسمی دفتر مطبوعاتی سرور دانش معاون دوم رییس جمهوری که ریاست این کمیسیون را



به عهده دارد، آمده که فرمان ایجاد این کمیسیون سه روز پیش از سوی محمد اشرف غنی، رییس جمهوری امضا شده است.

دفاع از ارزش‌های حقوق بشری، کمک به عملی شدن عدالت انتقالی، کمک به رسیدگی به موارد نقض حقوق بشر و جنایات بشری از مهم‌ترین کارهای این کمیسیون خواهد است.

سرور دانش که در رونمایی این کمیسیون سخنرانی می‌کرد گفته که استراتژی محافظت از مدافعین

وی افزود که از مدتی بدین سو برای مصونیت خبرنگاران نیز یک چنین میکانیزم ساخته ایم که در تأمین مصونیت خبرنگاران بسیار مفید و مؤثر بوده است.

سرور دانش از کمیسیون مستقل حقوق بشر و نهادهای دیگر حقوق بشری ملی و بین‌المللی جدا تقاضا کرد که برای تطبیق این استراتژی از هیچ نوع کمک و همکاری دریغ نوزند.

معاون رییس جمهور در رابطه به راه حل درازمدت

دولت قطر نیز از این توافق استقبال کرده و آن را «یک نقطه عطف» در روند مذاکرات بین‌افغانی خوانده است.

در بیانیه منتشر شده از سوی دولت قطر آمده است که «این پیشرفت برجسته نشان می‌دهد که طرف‌های افغان جدی هستند و می‌توانند بر اختلافات‌شان غلبه کنند. آنچه امروز به دست آمده امید را به دستیابی به یک توافق سیاسی برای پایان این جنگ ایجاد می‌کند که بیش از چهل سال به طول انجامیده است.»

مذاکرات میان چهل و شش نماینده دولت افغانستان و گروه طالبان حدود سه ماه پیش در دوحه قطر آغاز شد اما دو طرف نتوانسته بودند تا حالا روی شیوه کار مذاکرات به توافق برسند.

عبدالله عبدالله، رییس شورای عالی مصالحه افغانستان نیز در توییت خود از این خبر استقبال کرده و آن را «گام بزرگ» برای پیشرفت در مذاکرات

جاده ابریشم: ذکی دریابی و روزنامه اطلاعات روز در حالی برنده جایزه بین‌المللی مبارزه با فساد سال ۲۰۲۰ سازمان شفافیت بین‌المللی می‌شود که افغانستان مقام چهارم را در فساد از آن خود کرده است.

در چنین کشوری نشر گزارش‌های که در آن مسوولین حکومتی دست به فسادهای میلیونی می‌زنند یا بودجه ملی را به نفع یک قوم تغییر می‌دهند کار ساده نیست. نبرد با دیوهای فساد است که به قیمت مرگ و زندگی یک خبرنگار و صاحبان رسانه‌ها تمام می‌شود.

سازمان شفافیت بین‌المللی گفته است که با وجود تهدیدهای زیادی در افغانستان این جایزه را به ذکی دریابی و روزنامه اطلاعات روز اهدا می‌کند: «با وجود چالش‌ها، تهدیدها و محدودیت‌های متعدد، به خاطر تلاش‌های خستگی‌ناپذیر ذکی دریابی و روزنامه اطلاعات روز در افشای رسوایی‌های بزرگ فساد در افغانستان، این جایزه را به آنها اهدا می‌کند.»

این سازمان گفته است که روزنامه اطلاعات روز «نقش عمده در به چالش کشاندن دولت افغانستان در زمینه مبارزه با فساد داشته است.»

در کنار دریابی، دو خبرنگار از مغولستان، قزاقستان و یک فعال سیاسی از پرتغال نیز برای دریافت این جایزه نامزد بودند.

برای نهادینه ساختن حقوق بشر گفته است: «باید کوشش همه جانبه برای بومی سازی حقوق بشر صورت بگیرد و با این برداشت نادرست مبارزه شود که گویا حقوق بشر یک کالای وارداتی و بیگانه است و مدافعان حقوق بشر هم مدافعان فرهنگ بیگانه و مخالف فرهنگ و ارزش‌های دینی و ملی هستند.»

وی تصریح کرد که ما نباید به حقوق بشر به عنوان یک پروژه نگاه کنیم و نهادینه شدن ارزش‌های حقوق بشری یک پروسه طولانی است و به یک مبارزه طولانی و دوامدار و قربانی‌های زیاد نیاز دارد.

پیشنهاد ایجاد این کمیسیون بخشی از استراتژی محافظت از مدافعان حقوق بشر است که از سوی سازمان عفو بین‌الملل و نهادهای حقوق بشری افغانستان طرح و حدود دو هفته پیش رونمایی شد. به اساس تعریف مسوولان سازمان عفو بین‌الملل، فعالان حقوق بشر گروه‌هایی‌اند که در برابر خشونت علیه زنان، فساد و ناهنجاری‌های دیگر مبارزه می‌کنند و متشکل از وکلای مدافع، خبرنگاران و حتی معلمانی‌اند که ارزش‌های حقوق بشری را به کودکان می‌آموزند.

ترتیب دهندگان استراتژی محافظت از مدافعان حقوق بشر به این باورند که نبود مکانیزمی برای حمایت از این گروه سبب شده مدافعان حقوق بشر در افغانستان همواره با تهدید، ترور و آدم‌ربایی رو به رو شوند.

این کمیسیون در حالی ایجاد می‌شود که گروه تروریستی طالبان از یک طرف با حکومت گفتگو می‌کنند و از سوی دیگر دست از خون و خشونت بر نمی‌دارند. با این حال مردم افغانستان انتظار دارند که عدالت در مورد طالبان تطبیق شود و این گروه به پای میز محکمه کشانده شود.

## توافق روی شیوه کار مذاکرات صلح افغانستان؛

## دو طرف روی اجندا بحث را آغاز کردند

صلح خوانده است. آقای عبدالله گفته که از قطر برای میزبانی و دیگر حامیان روند صلح افغانستان تشکر می‌کند.

صدیق صدیقی، سخنگوی رییس جمهوری افغانستان نیز نوشته است: «رییس جمهوری اسلامی افغانستان، نهایی شدن طرزالعمل مذاکره در دوحه را گامی به جلو برای آغاز مذاکرات اصلی و خواست مردم ما که همانا تامین آتش بس برای برقراری صلح پایدار در افغانستان است، دانسته و از آن استقبال می‌کند.»

دفتر نمایندگی سازمان ملل در افغانستان نیز با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرده که دیورا لیونز، نماینده دبیرکل سازمان ملل برای افغانستان «از پیشرفت بدست آمده توسط تیم‌های مذاکره کننده در دوحه استقبال می‌کند. این پیشرفت باید زمینه برای رسیدن به صلح مورد نظر همه افغان‌ها را فراهم کند.»

## نبرد با دیوهای فساد؛

## ذکی دریابی برنده جایزه مبارزه سازمان شفافیت بین‌الملل شد

طبق اعلام سازمان شفافیت بین‌الملل، بوتاکوز کویابوا، معاون سابق امور مالی و اقتصادی هنرستان ملی قزاقستان نیز برنده جایزه مبارزه با فساد سال ۲۰۲۰ این سازمان شده است. برای دریافت این جایزه ۲۸۸ نفر و نهاد نامزد شده بودند.





## تفاوت سیاست خارجی افغانستان و پاکستان افغانستان؛ وابستگی/پاکستان؛ بقا به بهای ویران‌گری



محمد امین حبیبی تبار

رئیس جمهور غنی در حکومت وحدت ملی در سیاست خارجی اش را در قبال پاکستان با رویکرد جدید مبتنی بر تنش‌زدایی آغاز کرد. هرچند وی در صدد بود تا صفحه

جدید در روابط دیپلماتیک دو کشور باز کرده و بی‌اعتمادی بین دو کشور را از بین ببرد، اما وی نیز همانند سلف خود حامد کرزی در تأمین این مهم ناموفق بود.

رئیس جمهور غنی در آغاز حکومت وحدت ملی تفاهم‌نامه‌ی همکاری‌های استخباراتی را با پاکستان امضا کرد. حکومت وی می‌خواست اعتماد پاکستان را در پروسه صلح جلب کرده و گروه طالبان را به میز مذاکره حاضر کند، اما غافل از اینکه پاکستان به کمتر از مسلط ساختن طالبان بر افغانستان راضی نمی‌شود.

در سال ۲۰۱۵ نواز شریف به کابل آمد و در دیدار با رئیس جمهور غنی متعهد به همکاری دوجانبه و اقدامات جدی علیه شبکه‌های تروریستی شدند، اما این روابط نیز دوام نیاورد.

در پی حمله هراس‌افکنانه در جولای ۲۰۱۶ در کابل که مظاهره‌کننده‌گان را هدف قرار داد و باعث کشته شدن بیش از ۸۰ غیر نظامی شد، اما در همان زمان نیز آقای غنی در مصاحبه‌ای با یک رسانه پاکستانی از حکومت این کشور به خاطر دادن مخفی‌گاه‌های امن به گروه‌های تروریستی مانند طالبان و القاعده به شدت انتقاد کرد. او گفته بود که طالبان در کوئته پاکستان دفتر دارند و آزادانه فعالیت دارند. هرچند رئیس جمهور غنی شعار انزواي پاکستان را سر می‌داد، اما فاصله گرفتن واشنگتن از کابل، امضای موافقنامه طالبان-آمریکا و سفر اخیر عمران خان به کابل ثابت کرد که پاکستان همچنان نقش محوری را در مورد جنگ و صلح افغانستان بازی می‌کند و از انزواي این کشور خبری نیست.

### اهداف سیاست خارجی پاکستان در قبال افغانستان

مجموعه اهداف که سیاست خارجی پاکستان را در قبال افغانستان سمت و سو می‌دهد: حکومت وابسته و همسو با اسلام آباد، قطع روابط افغانستان با هند، مساله پشتونستان و خط دیورند را در بر می‌گیرد. منافع اقتصادی مانند دسترسی به منابع، کنترل و بهره‌برداری از منابع آبی افغانستان، دسته‌ای دیگر از اهداف سیاست خارجی این کشور را رقم می‌زند که می‌توان آن را در زمره اهداف غیر حیاتی طبقه بندی کرد.

### اهداف اقتصادی

دستیابی به بازار آسیای میانه و انتقال نفت و گاز این کشورها یکی از فاکتورهای مهم اقتصادی در سیاست‌گذاری پاکستان محسوب می‌گردد. کشورهای آسیای میانه انتقال نفت و گازشان را از طریق خط لوله‌ای که باید از یکی از دو کشور ایران و افغانستان عبور کند، همواره به عنوان یک مساله اصلی نگریسته‌اند. از طرف دیگر عبور خط لوله نفت و گاز این کشورها از هر سرزمینی که انجام گیرد بدون شک امتیازات سیاسی و اقتصادی برای آن کشور به همراه خواهد داشت. نگاه اقتصادی پاکستان به این امر از دو زاویه قابل بررسی است:

یکی عبور خط نفت و گاز و رقابت اقتصادی با ایران و نفوذ در کشورهای آسیای میانه. نمونه دوم را زمانی شاهد بودیم که پاکستان پس از تحركات اقتصادی ایران در آسیای میانه در صدد آن برآمد تا با احیای راه ترانزیتی آسیای مرکزی - افغانستان - پاکستان؛ خط ارتباطی آسیای میانه با دریای عمان و اقیانوس هند را از طریق «جاده ابریشم» منحرف سازد. شکل‌گیری يك حکومت طرفدار پاکستان در کابل منافع اقتصادی این کشور را در آسیای میانه نیز تأمین خواهد کرد.

### اهداف سیاسی

اختلافات مرزی، مساله پشتونستان، رقابت با هند، همسویی پاکستان با آمریکا و مقابله با نفوذ ایران به عنوان یکی از رقبای ایدئولوژیکی در منطقه از جمله موارد قابل بحث است. اختلافات مرزی افغانستان و پاکستان همواره به عنوان يك عامل تاریخی بحران‌زا در تاریخ روابط دیپلماتیک

دو کشور مطرح بوده است. آنچه بر اساس قرارداد معروف دیورند در دوران حکومت عبدالرحمن خان توسط نماینده انگلیس به پاکستان واگذار شد هیچ‌گاه از حافظه تاریخی افغان‌ها و بویژه طیف ملی‌گرای حاکمیت سیاسی محو نشده و به عنوان نقطه جنجال برانگیزی در روابط خارجی این دو کشور بوده که هرازگاهی با برخوردهای نظامی بین دو کشور همراه بوده است.

پاکستان برای دستیابی به چنین اهدافی در جستجوی عمق استراتژیک است. این سیاست ریشه اساسی تنش و چالش در روابط سیاسی دو کشور است. به رغم وجود شواهد کافی برای حمایت پاکستان از افرطیت و تروریسم، بازی دوگانه این کشور در امر مبارزه با تروریسم همچنان ادامه دارد.

تفکر نظامی عمق استراتژیک پاکستان در قبال افغانستان از سیاست‌های است که همواره دنبال می‌شود و عمق استراتژیک در ادبیات نظامی به فاصله بین خط مقدم نبرد و یا منطق جنگی و مناطق اصلی غیرنظامی مثل شهرها و مناطق متراکم از جمعیت‌های غیرنظامی و مناطق صنعتی و غیره گفته می‌شود.

به لحاظ مفاهیم و ادبیات نظامی، کشوری دارای عمق استراتژیک است که بتواند صحنه نبرد و مقابله با تهدید را از مرزهای خویش به دور کشانده و به عبارت دیگر جنگ را به زمین حریف ببرد تا به واسطه فاصله جغرافیایی از میدان جنگ از آسیب‌ها و تبعات آن تا حد ممکن در امان بماند. هم‌چنان از نظر نظامی عمق استراتژیک منطقه‌ای است که محل مناسب برای عقب‌نشینی یک ارتش و انسجام دوباره آن‌ها باشد. مهم‌ترین عمل‌کرد و در عین حال تعیین‌کننده‌ترین مساله در روابط دو کشور، حمایت پاکستان از سازمان‌ها و تنظیم‌های اسلام‌گرای جهادی بر محوریت قوم پشتون به حساب می‌آید. پاکستان بایستی اطمینان حاصل می‌کرد که پس از شکست دولت کمونیستی، حزب مورد اعتمادش حکومت آینده افغانستان را تشکیل می‌دهد و مساله خط دیورند را در سر نمی‌پروراند.

از میان احزاب هفتگانه و رهبران آن که در جهاد افغانستان علیه شوروی نقش داشتند، حزب اسلامی به رهبری حکمتیار در پاکستان از حمایت تمام سران نظامی و سیاسی اسلام‌آباد به ویژه سران سازمان استخباراتی این کشور برخوردار بود و هدف از این حمایت اتخاذ قدرت سیاسی در کابل به دست حزب اسلامی بود. ملموس‌ترین عمل‌کرد در سیاست خارجی پاکستان در قبال افغانستان می‌توان به تمویل، تجهیز و حمایت این کشور از طالبان و گروه القاعده اشاره کرد. در میان منازعه قدرت توأم با درگیری‌های داخلی بین سران احزاب، گروه طالبان به رهبری ملا محمدعمر از جنوب افغانستان ظهور کرد و به صورت گسترده توانست قدرت سیاسی را در افغانستان به دست گیرد.

حمایت مالی و سیاسی طالبان از سوی پاکستان یک امر بدیهی به حساب می‌آید که به این مساله در تمام ژورنال‌های ملی و بین‌المللی و در مجامع جهانی به آن پرداخته می‌شود. پس از حادثه یازده سپتامبر سال ۲۰۰۱ ایالات متحده آمریکا و متحدان غربی‌اش برای از بین بردن لانه‌های تروریسم به افغانستان آمدند و طالبان که به همکاری با القاعده متهم شده بودند به پاکستان پناه بردند و از آن کشور علیه نیروهای داخلی و خارجی با همکاری‌های سازمان استخباراتی پاکستان عملیات‌های تروریستی را در افغانستان سازمان‌دهی می‌کردند.

باتوجه به فشارهای منطقه‌ای و بین‌المللی بر پاکستان، این کشور منافع و اولویات‌های سیاست خارجی خویش در افغانستان را مورد ارزیابی قرار داده و به دنبال تأمین منافع و اهداف چون جلوگیری از گسترش نفوذ هند در افغانستان، کنترل آب در افغانستان که برای پاکستان از اهداف حیاتی است و حمایت از جریان‌های سیاسی در کابل که حافظ منافع پاکستان در افغانستان است، مبادرت ورزید. پاکستان با استفاده حد اعظمی موقعیت ژئوپلیتیک خویش توانست میلیون‌ها دالر سلاح مهمات و کمک‌های ایالات متحده را جلب کند. در آن وقت نسبت به هر زمان

دیگر، روابط کابل و اسلام‌آباد تنش‌آلود بود؛ چون پاکستان به‌دستور آمریکا و سعودی و یک تعداد کشورهای دیگر از مجاهدین علیه دولت وقت حمایت می‌کرد. چنانچه همزمان با سقوط اتحاد جماهیر شوروی وقت، جنگ سرد نیز خاتمه یافت، اما از زمان پیروزی مجاهدین تا به قدرت رسیدن طالبان نیز روابط افغانستان و پاکستان فراز و نشیب داشت. مثلاً حکومت پاکستان از حکومت مجاهدین تحت رهبری استاد برهان‌الدین ربانی آزرده‌خاطر شد.

جنگ‌های تنظیمی زمینه‌ان را فراهم ساخت که ISI پاکستان به همکاری آمریکا و سعودی، گروه طالبان را به وجود آورد و هزاران طالبی که در مدارس پاکستان نزدیک افغانستان بود با حمایت مستقیم این کشور از قندهار وارد افغانستان شدند و به زودی توانستند اکثر مناطق افغانستان را تحت کنترل شان بیاورند. پاکستان به‌شمول عربستان و امارات متحده، امارت اسلامی طالبان را به رسمیت شناختند. این در حالی بود که سازمان ملل متحد، حکومت طالبان را به رسمیت نشناخته بود. اما به هر صورت روابط افغانستان با پاکستان در این زمان خوب بود؛ چون رژیم طالبان هم‌سو و هم‌فکر با سیاست‌های این کشور عمل می‌کرد.

### بررسی مقایسه‌ای سیاست خارجی افغانستان و پاکستان

در فرایند مقایسه نظام‌ها و جوامع گوناگون می‌بایست بر پارامترهایی چون تاریخ، فرهنگ سیاسی، شرایط اجتماعی سیاست و مشارکت سیاسی تأکید ورزید. البته در عمل نمی‌توان تعاملات میان شاخص‌های مزبور را نادیده گرفت؛ زیرا میان کم و کیف ورود افراد و گروه‌ها در فرایند سیاست داری و تصمیم‌گیری و نیز کیفیت ایستارها و جهت‌گیری‌های آنها نسبت به نظام ارتباط منطقی وجود دارد.

پرداختن به ویژگی‌های سیاسی و فرهنگی و برخورداری از قدرت اقتصادی و نظامی از فاکتورهای است که بایستی برای بررسی مقایسه‌ای سیاست خارجی میان کشورها و بازیگران عرصه بین‌الملل بدان پرداخته شود. بنابر این سیاست مقایسه‌ای برای بررسی سیاست خارجی دو بازیگر در عرصه بین‌الملل یکی از رهیافت‌های مهم تلقی می‌شود و با مفروضه این رویکرد می‌توان به نقاط اشتراک و افتراق در سیاست خارجی میان بازیگران دست پیدا کرد. در این میان افغانستان و پاکستان دو کشور همسایه با داشتن مرز مشترک، فرهنگ و اعتقاد مشترک؛ اما سیاست خارجی توأم با تعارض و تقابل در قبال هم، در فرایند تاریخ روابط میان دو کشور در ابعاد مختلف تنش‌آلود و تقابلی بوده است.

این رویکرد با مطالعه سیاست خارجی در پی بررسی مقایسه‌ای رفتار سیاست خارجی دولت‌هاست. مطالعه مقایسه‌ای هرچند سابقه‌ای طولانی در مطالعات علوم سیاسی دارد، اما مطالعه مقایسه‌ای سیاست خارجی که اکنون مورد بحث است، مستقیماً تحت تأثیر میراث رفتارگرایی است و هدف آن، مطالعه رفتارهای مشترک دولت‌ها و ارائه پیش‌تئوری برای ارزیابی و تحلیل سیاست خارجی آن‌هاست.

در این نظریه، الگوهای رفتاری در سیاست خارجی مورد توجه قرار گرفته و مطالعه می‌شود و رویدادها در این نوع مطالعه، جایگاه بالایی دارند. پژوهشگران، سیاست خارجی دولت‌ها را در رویدادها نمایان‌تر می‌بینند و معتقدند این رویدادها تأثیر زیادی بر رفتار دولت‌ها دارند. اعمال نفوذ دولت‌ها در رویدادها را می‌توان سیاست خارجی نامید. به رغم مشترکات افغانستان با پاکستان در ابعاد مختلف، دارای تفاوت‌های فکری و استراتژیکی در تدوین سیاست خارجی در قبال کشورهای منطقه و جهان، روابط میان دو کشور دارای تفاوت‌های به لحاظ هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی است که این تفاوت‌ها و افتراقات بر می‌گردد به تعاریف و نگاه دو کشور به پدیده‌های چون سیاست خارجی، ابزار فشار و تأمین اهداف در سیاست خارجی، تعیین و تدوین اهداف سیاست خارجی دو کشور توسط دکتربین در دستگاه دیپلماسی، سیاست‌های اعلانی و اعمالی دو کشور که در رسانه‌ها و مجامع بین‌المللی ارائه می‌نمایند. بنا بر بررسی این مفاهیم برای کالبدشکافی تفاوت‌ها در سیاست خارجی پاکستان و افغانستان و بررسی مقایسه‌ای سیاست

خارجی دو کشور نیاز مبرم به حساب می‌آید.

### سیاست خارجی

باتوجه به قدرت نظامی پاکستان و نزدیکی آن با ناتو و ایالات متحده به عنوان شریک استراتژیک خویش، همواره در سیاست خارجی خود در قبال افغانستان از موقف قدرت و زور حرف می‌زند و در تعیین سیاست خارجی و اهداف ملی خویش تمام اصول و قواعد بین‌المللی و اصلاً عدم مداخله در امور همدیگر را زیر پا می‌کند و در مقابل سیاست خارجی



در فرایند مقایسه نظام‌ها و جوامع گوناگون می‌بایست بر پارامترهایی چون تاریخ، فرهنگ سیاسی، شرایط اجتماعی سیاست و مشارکت سیاسی تأکید ورزید. البته در عمل نمی‌توان تعاملات میان شاخص‌های مزبور را نادیده گرفت؛ زیرا میان کم و کیف ورود افراد و گروه‌ها در فرایند سیاست داری و تصمیم‌گیری و نیز کیفیت ایستارها و جهت‌گیری‌های آنها نسبت به نظام ارتباط منطقی وجود دارد.



افغانستان امنیت محور عمل می‌کند.

### ابزار فشار

افغانستان باتوجه به وابستگی‌های زیادی به کشورهای منطقه و جهان در زمینه‌های مختلف در قبال پاکستان تنها ابزار و اهرم فشار این کشور حمایت از پشتونخواه/ پشتونستان و گسترش روابط با هند به عنوان رقیب تاریخی پاکستان است که این مساله به لحاظ حقوق و رژیم بین الملل حق مسلم تمام بازیگران در نظام بین‌الملل است. در مقابل، پاکستان از ابزار و اهرم فشار خلاف قانون در قواعد و اصول بین‌المللی استفاده می‌کند که می‌توان به مانور قدرت هسته‌ای و نظامی این کشور و همچنان حمایت مستمر و آشکار این کشور از گروه‌های تروریستی بویژه طالبان و القاعده از بدو تأسیس این کشور در مقابل افغانستان اشاره کرد.

### هدف سیاست خارجی

افغانستان دلیل درگیر بودن در جنگ با گروه‌های افراطی و بنیادگرا، مبارزه با تروریسم و افراطیت، تأمین امنیت را به عنوان اساسی‌ترین مساله تنها هدف سیاست خارجی خویش در قبال پاکستان تعریف کرده است و از سوی پاکستان هدف سیاست خارجی آن در محور تفکر عمق استراتژیک طراحی شده و حمایت از جریان‌های افراطی و بنیادگرایی مذهبی در طول تاریخ سیاست خارجی این کشور در مقابل افغانستان تدوین و تطبیق شده است که نمونه آشکار آن حمایت از طالبان به مثابه یکی از گروه‌های تند روی مذهبی است.

### سیاست‌های اعمالی

افغانستان سیاست خارجی اعمالی خویش را بر نقش کلیدی پاکستان در گفتگوهای صلح افغانستان و تحقق ثبات در این کشور اعمال کرده است و از جانب پاکستان این مساله به سیاست اعلانی که همانا حمایت از گفتگوهای صلح و تنش‌زدایی خلاصه می‌شود.

### سیاست اعلانی

افغانستان در سیاست‌های اعلانی خویش به تأیید و تأکید سیاست‌های اعمالی خویش بسنده می‌نماید؛ اما میان سیاست خارجی اعلانی و اعمالی پاکستان پارادوکس و تعارض وجود دارد. پاکستان سیاست اعمالی خویش را در تعارض با سیاست خارجی اعلانی خود دنبال می‌نماید که حمایت از گروه‌های تروریستی است.

### نتیجه‌گیری و راه حل

پاکستان با سیاست عمق استراتژی خویش در قبال افغانستان و باتوجه به اشراف این کشور بر گروه‌های تروریستی، می‌تواند نقش مهمی در پروسه صلح افغانستان و حل منازعه سیاسی و مستمر این کشور بازی کند. بنابر این برای آوردن ثبات دایمی و تأمین امنیت در افغانستان نقش مثبت پاکستان در قضایایی این کشور به ویژه پروسه صلح با طالبان حتمی و ضروری است. زیرا افغانستان با ثبات می‌تواند به اقتصاد پاکستان کمک کند. تطبیق پروژه‌های بزرگ اقتصادی مانند تاپی و پروژه دهلیز اقتصادی چین - پاکستان که از افغانستان می‌گذرد می‌تواند رشد اقتصاد پاکستان را سریع بسازد و پاکستان با ایجاد اعتماد افغان‌ها می‌تواند از موقعیت ژئوپلیتیک افغانستان استفاده کرده به آسیای مرکزی به آسانی دسترسی پیدا کند.

همچنین افغانستان با استفاده از موقعیت ژئوپلیتیک خویش باید توازن بین کشورهای منطقه و جهان بویژه توازن در روابط سیاسی میان هند و پاکستان و آمریکا و روسیه که افغانستان در طول تاریخ بیش‌ترین آسیب را از نزدیکی بیش از حد متعارف در عرف دیپلماتیک با کشور های مزبور متقبل شده است در نظر بگیرد.

افغانستان با تدوین و تطبیق سیاست خارجی در پرتو توازن قدرت میان قدرت‌های منطقه‌ای بویژه میان پاکستان و هند از موقعیت ژئوپلیتیک خود حداکثر استفاده را به نفع خود نماید. در صورت موفقیت پروسه صلح با طالبان تأمین ثبات و امنیت و ادغام این گروه در ساختار سیاسی و دولت افغانستان بایستی این کشور در تدوین سیاست خارجی خویش و ایجاد روابط سیاسی با بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی نهایت احتیاط و توازن را مراعات نماید؛ زیرا افغانستان در معرض آسیب‌های مختلف از این روزه است.

# تویا چشم

## یا سوسیالیسم

عظیم بشرمل

(صحبت در محفل رونمایی کتاب «یا سوسیالیسم یا توحش» نوشته‌ی عتیق اروند)



### بخش نخست

چاپ کتاب را به تمام دوست‌داران عدالت، علم، فرهنگ و به خصوص به نویسنده محترم آن تبریک می‌گویم. در صحبت‌هایم در باره کتاب هم به ذهن‌خوانی نویسنده و هم بر فهم مستقل خودم از متن کتاب تمرکز خواهم کرد.

اما پیش از اینکه وارد بحث کتاب شوم نکاتی را در باره سخنرانی آقای آریانفر (عضو حزب جمعیت اسلامی) یاد آوری می‌کنم. از دید من انتقادات ایشان بر جنبش چپ به هیچ وجه وارد نیست. می‌کوشم به صورت کوتاه به انتقادات ایشان پاسخ بدهم:

آقای آریانفر می‌گوید جنبش چپ افغانستان برخاسته از متن جامعه ما نبود بلکه توسط قدرت‌های خارجی بر مردم افغانستان تحمیل شد. این حرفی است که همیشه گفته شده‌است اما واقعیت ندارد. درست است که جنبش چپ روابط بین‌المللی و سیاسی داشت، که هر حزب و جریان دارد. اما به این معنا نیست که این جنبش توسط لنین یا احسان طبری و... ساخته شده است. عوامل ظهور جریان چپ افغانستان را به دو بخش داخلی و خارجی می‌توانیم تقسیم کنیم:

### عوامل داخلی

امیل دورکیم یکی از پدران جامعه‌شناسی است. او می‌گوید: social fact is related to society. (واقعیت‌های اجتماعی ریشه در جامعه دارد). هیچ واقعه و پدیده‌ی در جامعه ظهور نمی‌کند مگر بستر و زمینه ظهور آن در جامعه وجود داشته باشد. براین اساس بستر ظهور جنبش چپ در افغانستان وجود داشت. این بستر وضعیت بد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی حاکم در کشور بود. وضعیت که برای نسل مکتب و دانشگاه خوانده و روشنفکر افغانستان قابل قبول نبود. در حقیقت این وضعیت یک سری نیروهای انقلابی را در درون خود پروراند. من به صورت کوتاه به آن اشاره می‌کنم:

### وضعیت بد سیاسی

از نظر سیاسی جنبش چپ در شرایطی سربلند می‌کند که استبداد در افغانستان حاکم است. کسی توان «تو» گفتن به دربار و شاه را نداشت. شاهان و شاهزادگان «آل یحیی» قصابان بودند که فکر می‌کردند بخش از وظیفه آن‌ها گردن‌زدن پاک‌ترین، دلسوزترین و با سوادترین فرزندان افغانستان است. اکثریت مردم با رنج و بی‌چارگی دست و پنجه نرم می‌کردند اما گروه اقلیت حاکم در عیش و عشرت غرق بودند. نیروهای مترقی و یک تعدا جوان که مکتب و دانشگاه خوانده بودند، با وضعیت جهان آشنا بودند، چنین شرایط برای شان قابل قبول نبود. آنان علیه حکومت استبدادی خانوادگی آل یحیی ایستاد شدند و دست به مبارزه زدند.

### وضعیت بد اقتصادی

در روستاها و قریه‌های افغانستان ارباب‌ها، داروغه‌ها، خان‌ها و میرها، بر دهقان‌ها، مزدورها و فقرا که اکثریت جامعه را تشکیل می‌دادند حکومت می‌کردند. دهقان‌ها و مزدورها کار می‌کردند اما حاصل تولیدشان به جیب گروه‌های حاکم یاد شده می‌رفت. خودشان با فقر و بی‌چارگی روزگار سپری می‌کردند. چنین وضعیت ظالمانه و ناعادلانه برای نسل پیشرو و با سواد افغانستان قابل قبول نبود.

### وضعیت بد اجتماعی و فرهنگی

نسل جوان و نیروهای آگاه که از مکتب و دانشگاه و از بین کتاب سر بلند کرده بودند می‌دیدند در جامعه ما به جای عقل و علم، خرافات حاکم است. می‌دیدند که مردم برای رشد زراعت‌شان به جای استفاده از تکنولوژی و مواد کیمیایی، نذر می‌کنند. مریضان به جای پناه بردن به دارو و داکتر به پیر، ملنگ، تعویذ و جادو پناه می‌بردند. بناء نیروهای آگاه چنین وضعیت را نمی‌پذیرفتند و در تلاش «راهی به راهی» بودند.

آن‌روزها به جز سوسیالیسم هیچ راه حل امیدوار کننده دیگر برای مشکلات یاد شده وجود نداشت. نیروهای مذهبی الگو و طرح برای بیرون رفت نداشتند. از دید اکثریت نسل تحصیل کرده، دین بیش‌تر بن بست و مانع بود تا راه حل. نمایندگان لیبرالیسم افغانی بی‌چاره‌تر از آن بودند که بتوانند به نسل با سواد انگیزه

و به فقرا و سرخوردگان امید به یک آینده بهتر خلق کنند. تنها سوسیالیسم، جهان جدید را نوید می‌داد که تمام مشکلات یاد شده در آن نیست و نابود می‌شد. بناء اکثریت گروه‌های تحصیل کرده و پیشرو در افغانستان و تمام کشورهای پیرامونی و استعمارزده به سوسیالیسم پناه می‌بردند.

از طرف دیگر در حدود ۱۰۰ سال از عمر جریان چپ در افغانستان می‌گذرد. در این مدت ده‌ها حزب و صدها گروه چپ سر بلند کرده است. این گروه‌ها به صورت بنیادی با هم تفاوت و اختلاف داشتند. اما بسیاری‌ها از جمله آقای آریانفر جنبش چپ افغانستان را مساوی با حزب خلق می‌دانند و حزب خلق را هم ساخته و پرداخته روس‌ها می‌دانند. ادعاهای این‌ها در باره حزب خلق هم صدق نمی‌کند. زیرا در شکل‌گیری حزب خلق نیز عوامل داخلی نقش داشت. پیش از اینکه رهبران حزب خلق، حزب تاسیس کنند و یا روابط سیاسی با شوروی و سایر کشورهای کمونیستی برقرار کنند، علیه وضعیت موجود مبارزه می‌کردند. یک مشت جوان معترض و شوریشی بودند. به طور مثال به مبارزات چند تن از رهبران آن اشاره می‌کنم:

سلیمان لایق زمان که نوجوان بود به خاطر اعتراض‌هایش از «مدرسه شرعیه پغمان» اخراج شد. بعدها که دانشجوی دانشگاه شد، نیز به خاطر اعتراض‌ها و فعالیت‌هایش او را از دانشگاه بیرون کردند. کارمل در دروان دانشجویی‌اش زندانی شد. گفته می‌شود کارمل در زندان با میر اکبر خیبر آشنا شد و در

### سلیمان لایق زمان که

### نوجوان بود به خاطر

### اعتراض‌هایش از

### «مدرسه شرعیه پغمان»

### اخراج شد. بعدها که

### دانشجوی دانشگاه شد،

### نیز به خاطر اعتراض‌ها

### و فعالیت‌هایش او را از

### دانشگاه بیرون کردند.

### کارمل در دروان

### دانشجویی‌اش زندانی

شد.

آنجا با سوسیالیسم آشنایی پیدا کرد. خیبر دانشجوی رشته نظامی بود. روزی که شهادت‌نامه فارغ التحصیلا را توزیع می‌کردند، شهادت‌نامه خیبر را ندادند. جرمش این بود که در گفت‌وگوهایش با جوانان از دولت انتقاد کرده بود. به بعضی‌های شان کتاب و جزوه داده بود تا مطالعه کنند. تره کی ۲۸ سال پیش از تاسیس حزب خلق، در هندوستان توسط حزب کمونیست این کشور با سوسیالیسم آشنایی پیدا کرد. آن‌روزها کارمند شرکت مجید زابلی بود و حتا یک نفر روسی را هم ندیده بود. بعدا کارمند سفارت افغانستان در آمریکا شد. در همین زمان یک مقاله در «واشنگتن پست» نوشت و از دولت شاهی انتقاد کرد. به همین جرم از سفارت اخراج شد. براساس موارد که در فوق ذکر کردم می‌توان گفت جنبش چپ محصول دردها و رنج‌های بود که در داخل افغانستان وجود داشت. یک عده انسان معترض برای درمان این دردها و نابرابری‌ها تقلا و تلاش داشتند و سر انجام نسخه درمان آن را در سوسیالیسم یافتند.

### عوامل خارجی

عوامل خارجی در مرحله دوم نقش داشت. اما نقش عوامل خارجی تشویق کننده بود تا ایجاد کننده. به طور مثال وقتی گروه‌های پیشرو و تحصیل کرده افغانستان می‌دیدند در کشورهای زیاد خارجی سوسیالیست‌ها با انقلاب به پیروزی رسیده‌اند یا هم در حال مبارزه هستند، تشویق می‌شدند و بیش‌تر به مبارزه

و سوسیالیسم تمایل پیدا می‌کردند. به طور مثال پیروزی بلشویک‌ها در روسیه مائو در چین، مبارزات و موفقیت چه گوارا و کاسترو در کوبا، پیروز «هوشی مین» در ویتنام، جوانان و تحصیل کرده‌های افغانستان را تشویق می‌کرد تا دست به مبارزه سوسیالیستی بزنند. خلاصه می‌توان گفت رنج‌های داخل و امیدواری‌های خارج در ظهور جنبش چپ نقش داشت. اما عوامل اول ظهور جریان چپ مسایل و مشکلات داخلی کشور بود. هم‌چنین آقای آریانفر ادعا دارد که جریان چپ به موزیم تاریخ سپرده شده است. امروزه چیزی به‌نام سوسیالیسم و جریان چپ در جهان وجود ندارد. این ادعای ایشان نیز واقعیت ندارد. به صورت کوتاه به نقش نیروهای چپ در عرصه سیاست، علم و جامعه مدنی کشورهای جهان اشاره می‌کنم: همین اکنون در کشور همسایه ما «چین» حزب کمونیست فرمان می‌راند. در هندوستان ۷۰۰ حزب فعالیت دارد. حزب مردم در جایگاه اول، حزب کنگره در جایگاه دوم و حزب کمونیست در جایگاه سوم قرار دارد. در آمریکا سندرز با شعار سوسیالیستی وارد مبارزاتی انتخاباتی شد. اعضای حزب دموکرات در بعضی ایالت‌ها تا چهل درصد به او رای داده بودند. سیاست انگلستان در دستان دو حزب محافظه کار و کارگر قرار دارد. حزب کارگر چپ است. در فنلاند، دانمارک، اسپانیا، سوئیس، پرتغال، کوریای شمالی، کوبا، ویتنام، بولیوی، ونزویلا و بسیاری از کشورهای دیگر احزاب چپ قدرت را در اختیار دارند. در آلمان، استرالیا، یونان احزاب چپ و سوسیالیست در جایگاه دوم قرار دارند.

از نظر علمی اگر بخواهید سه متفکر بزرگ جهان را نام بگیرید حتما سه متفکر چپ: ژیزک، هابرماس و آلن بدیو را نام می‌گیرید. از طرف دیگر امروزه، مبارزات مدنی بسیاری از کشورها به خصوص کشورهای اروپا و آمریکا توسط فعالان چپ سازماندهی می‌شوند. به طور مثال بخش زیاد اعتراضات خیابانی آمریکا علیه ترامپ، توسط چپی‌ها سازماندهی و رهبری می‌شد.

### کتاب یا سوسیالیسم یا توحش

کتاب یاد شده ۸۰۰ صد صفحه است. در این مدت کم صحبت کردن در باره آن بسیار سخت است. اما تلاش می‌کنم به صورت کوتاه در سه بخش این کتاب را تحلیل و بررسی کنم:

۱- اقتصاد سیاسی

۲. تاریخ نگاری به مدد نشریات چپ افغانستان

۳. چه باید کرد؟

### اقتصاد سیاسی؛

### خصوصی‌سازی از سال ۱۳۰۸ تا سال ۱۳۳۰

از نظر اقتصاد سیاسی انباشت سرمایه و سرمایه مالی بسیار اهمیت دارد. حرکت تولید سرمایه‌داری بعد از انباشت سرمایه مالی آغاز می‌شود. کارل مارکس بخش از کتاب جلد اول و دوم سرمایه را به همین موضوع اختصاص داده است. آقای آریانفر ادعا دارند که تلاش برای اعمار یک جامعه سوسیالیستی در دل یک جامعه فئودالی بیهوده بود. اما اروند همین موضوع را در کتابش پاسخ داده است. تلاش کرده است به کمک اقتصاد سیاسی، ظهور سرمایه مالی و نقش دولت و شرکت‌های خصوصی را بررسی کند.

نویسنده بحث اقتصاد سیاسی را از سال ۱۳۰۸ آغاز کرده است. در این دوره شرکت‌سازی و فابریکه‌سازی آغاز شده بود. بانک، شرکت‌ها (کارخانه‌های) نجاری، صابون‌سازی، جوراب‌بافی تاسیس می‌شوند. شرکت تعاونی به فعالیت آغاز می‌کند. خصوصی‌سازی شروع می‌شود. شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی سپرده می‌شود. پنجمصد هزار جریب زمین زرع و کشت می‌شود. دولت تلاش می‌کند شهرک‌های جدید بسازد. کابل جدید (کارته سه و کارته چهار) در همین دوره ساخته می‌شود. نویسنده مسایل اقتصاد سیاسی را از سال ۱۳۰۸ تا سال ۱۳۳۰ مو به مو شرح می‌دهد. آمار و ارقام ارایه می‌کند. او از شرح این موضوع چند هدف را دنبال می‌کند:

می‌خواهد نشان بدهد که در همین زمان گروه که زر دارند با گروه که زور دارند متحد می‌شوند. سرمایه‌ملی را حیف و میل می‌کنند. شرکت دولتی می‌سازند، سپس به بخش خصوصی می‌فروشند. مجید زابلی در رأس شرکت قرار می‌گیرد. اما پسان‌تر همین آدم وزیر اقتصاد می‌شود. یک بده و بستان بین گروه‌های که زر و زور دارند جریان پیدا می‌کند.

در این دوره سرمایه‌داری تجاری شهرهای کشور را تسخیر می‌کند. شرکت سهامی ملی افغان تاسیس می‌شود و در بمبه‌ای، پیشاور، پاریس، لندن و... نمایندگی باز می‌کند. اما نویسنده می‌خواهد نشان بدهد که سود آن برای مردم چه بود؟ نویسنده با آوردن مقاله غبار نشان می‌دهد که تاجر ملی جنس را که در پنج افغانی می‌خرد، در ۲۰ و ۲۵ افغانی می‌فروشد. غبار می‌گوید تاجران خرد و ریزی هستند که سالانه پنج تا شش میلیون در آمد دارند. نویسنده نشان می‌دهد که نتیجه رشد سرمایه‌داری تجاری در افغانستان این است: فربه شدن اقلیت و چاپیده شدن اکثریت.

دولت برای رشد زراعت تلاش می‌کند. پنج صد هزار جریب زمین را زیر کشت می‌برد. اما سود آن برای اکثریت مرم افغانستان چیست؟ براساس آمار غبار شصت درصد زمین‌های افغانستان در اختیار شش درصد مردم قرار داشت. ببرک کارمل در مقاله که نشریه

پرچم نشر شده بود نوشته بود «چهل در صد زمین‌های افغانستان در اختیار ۲ درصد مردم قرار دارد». بناء با وجود چنین فاصله طبقاتی اگر زراعت هم رشد کند، به اکثریت مردم سود نمی‌رسد. اصلا مشکل اصلی بشر در کمبود منابع نیست بلکه در نابرابر بودن توزیع است. چه سود که تولید زیاد شود اما مردم هم چنان گرسنه باقی بمانند. به جای تولید بیش‌تر برای توزیع عادلانه باید تلاش کنیم.

در همین دوره اوج ناسیونالیسم بازی، ظهور کشمکش‌های زبانی و تاسیس پشتو تولنه را شاهد هستیم. نویسنده می‌خواهد نشان بدهد که همین پشتو تولنه‌بازی که فارسی‌زبانان فکر می‌کنند، پشتون‌ها می‌خواستند زبان فارسی را از بین ببرند، در حقیقت تلاش دولت برای به انحراف کشاندن جریان روشنفکری افغانستان بود. در افغان تولنه پاک‌ترین روشنفکران کشور را جمع کردند. هدفشان از داغ کردن جنجال‌های زبان فارسی و پشتو این بود تا فرهنگیان مصروف شو

ند و مساله طبقا تی به



هدف نویسنده این است تا نشان دهد مردم فقیر در در چه وضعیت قرار دارند. تولیدات بالا رفته، فابریکه‌ها ساخته شده، اما وضعیت مردم چگونه است. وضعیت مردم را مقاله «غلام عمر صالح» شرح داده است. صالح می‌نویسد: شیوه تولید حاکم در افغانستان فئودالی است. ۸۰ درصد مردم در کشاورزی مصروف است. کسانی که با زمین درگیرند به سه بخش تقسیم می‌شوند. **یک- زمین داران بزرگ:** این‌ها بخش اعظم زمین‌های افغانستان را در اختیار دارند. به قول غبار ۶۰ در صد زمین در اختیار ۶ درصد مردم قرار دارد. صالح می‌نویسد که زمین داران بزرگ هیچ وقت کار نمی‌کنند، اما غرق در رفاه و آسایش هستند.

**دو- اجاره دارها:** این‌ها هم به دو بخش تقسیم می‌شوند: ۱- اجاره داران که زمین، تخم و گاو دارند. ۲- گروه که ابزارهای یاد شده را ندارند. به کسانی که ابزار یاد شده را دارند یک سوم محصولات زراعتی می‌رسد.

**سه- اکثریت فقیر:** این بخش اکثریت مردم افغانستان را تشکیل می‌دهد. به جز نیروی فیزیکی و بدنی شان هیچ چیز دیگری برای عرضه ندارند. محصولات زمین ده تقسیم می‌شود. از ده قسمت یکش به همین افراد غریب داده می‌شود. (از دید من همین فاصله‌ها و دردهای اکثریت فقیر بود که باعث شد جنبش چپ در افغانستان شکل بگیرد).

**اقتصاد سیاسی از سال ۱۳۴۷ تا ۱۳۵۷**  
در این سال‌ها دو موضوع خیلی قابل تامل است:

در این دوره افغانستان با یک خشک‌سالی بسیار خطرناک دست و پنجه نرم می‌کند. مسوولین دولت، اعتمادی را وظیفه می‌دهند که به کشورهای خارج برود کمک جمع کند. اعتمادی از کشورهای زیادی کمک جمع می‌کند. لیست تمام کشورها و پول که کمک کرده‌اند در کتاب ذکر شده است. پول هنگفت نصیب دولت می‌شود.

تجارت در این دوره رشد می‌کند. با کشورهای مختلف قراردادهای تجاری بسته می‌شود.

حکومت داوود نیز شامل همین دوره است. داوود از نظر اقتصادی همان سیستم قبلی را تطبیق می‌کند. اما در این زمان جنبش چپ نیرومند می‌شود. داوود به خاطر که با چپ‌ها نزدیک شود، بانک‌ها را ملی اعلان می‌کند. از طرف دیگر ریاست خصوصی‌سازی ایجاد می‌کند.

مساله مهم که در این دوره مطرح است وضعیت مردم است. دولت کمک زیاد جمع کرده، تجارت و صنعت هم رشد کرده، اما چه خیر به مردم غریب رسیده است؟ نویسنده نشان می‌دهد که کمک‌ها توسط یک گروه مشخص حیف و میل شده است. اما در همین دوره مردی در جنوب دختر خود را به یک بوجی گندم می‌فروشد.

#### سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۷۱

در تاریخ یاد شده حزب خلق به قدرت می‌رسد. خیلی‌ها تصور می‌کنند در این زمان سیستم اقتصاد سوسیالیستی حاکم بوده است. اما برعکس در این دوره اقتصاد سوسیالیستی نبود. سیستم اقتصادی دوران داوود تداوم پیدا کرد. بخش از شرکت‌ها در اختیار بخش‌های خصوصی قرار داشت و بخش هم در اختیار دولت. حزب خلق وضعیت را درک کرده بود. می‌دانست که فعلا یک اقتصاد کاملا سوسیالیستی و متمرکز پاسخ نمی‌دهد. آن‌ها بر سه موضوع تاکید و تمرکز کردند:

- ۱- اصلاحات ارضی
- ۲- مساله سواد آموزی
- ۳- توسعه دولت

نویسنده طرح اصلاحات ارضی را مو به مو شرح می‌دهد. فرمان شماره ۸ تره‌کی و اسناد را که چگونگی تقسیم زمین را مشخص کرده ضمیمه کتاب کرده است. در ماده سوم فرمان شاره ۸ آمده بود «هیچ خانوار نمی‌تواند بیش از سی جریب زمین درجه اول یا معادل آن را در تصرف خود داشته باشد». نویسنده آمار نداده است اما عبدالوکیل در خاطراتش نوشته است «حزب خلق دو میلیون و هشتصد هزار جریب زمین را به ۲۴۸ هزار خانواده توزیع کرد».

هرکسی که ۳۰ جریب زمین آبی و ۴۰ جریب زمین للمی داشت مال خودش بود. اما بقیه را دولت می‌گرفت و برای افراد بی‌زمین توزیع می‌کرد. از دید من این اقدام حزب خلق گام بسیار بزرگ و ارزشمند برای عادلانه شدن اقتصاد در افغانستان بود. فقر و گرسنگی مردم با هیچ منطق قابل توجیه نیست. تنها بحث نیروهای چپ و مارکسیست نیست، در قرآن هم داریم که: خداوند مالک زمین و آسمان است. امام رضا نیز گفته بود: شما مالک مجازی هستید، مالک حقیقی خداوند است. معنا و مفهوم این آیه و حدیث در قالب شعر نیز بیان شده است: درحقیقت مالک هرشی خداست/ این امانت چند روزی نزد ماست. بر این اساس تمام دارایی از آن خداوند است، ما همه بنده‌های خداوند هستیم، پس باید به صورت مساویانه از دارایی او استفاده کنیم. رهبران حزب خلق درک کرده بودند که تطبیق طرح

### دولت برای رشد زراعت

تلاش می‌کند. پنج صد

هزار جریب زمین را

زیر کشت می‌برد. اما

سود آن برای اکثریت

مرم افغانستان چیست؟

براساس آمار غبار

شصت درصد زمین‌های

افغانستان در اختیار

شش درصد مردم قرار

داشت.

اصلاحات ارضی کار آسان نیست. مردم بی‌زمین به آگاهی طبقاتی نرسیده‌اند. از نظر اعتقادی، گرفتن زمین طبقه حاکم برای‌شان مشروعیت ندارد. بناء طرح رهبران حزب خلق این بود که هم زمین توزیع شود و هم با گسترش کورس سواد آموزی خوراک مغزی و آگاهی تولید کنند که مساله اصلاحات ارضی و ایجاد یک جامعه سوسیالیستی را برای مردم توجیه کرده و قابل قبول بسازد. در حقیقت کورس سواد آموزی، آموزش مشروعیت بخش به سوسیالیسم بود. کشت‌مند در خاطراتش می‌نویسد «سال‌های ۱۹۸۲ در افغانستان ۱۲۰ هزار کورس سواد آموزی فعال بود».

اروند به صورت ضمنی به اصلاحات ارضی حزب خلق دل خوش نشان می‌دهد و از سه فرمان حزب خلق «اصلاحات ارضی، لغو تویانه، لغو گروپی، سود و ربا» تمجید می‌کند. معتقد است که امروزه نیز توزیع زمین برای جریان چپ باید به عنوان یک مساله مهم مطرح باشد. اما با آنهم نگاه انتقادی به مساله اصلاحات ارضی حزب خلق دارد. به خاطر نقد حزب خلق از گذشته‌های دور موضوع زمین را بررسی می‌کند.

مساله زمین را از در دوران حاکمیت مغول‌ها تا زمان احمد شاه و تا به امروز بررسی کرده است. در آخر نتیجه‌گیری می‌کند که ما انواع مالکیت در افغانستان داریم: یک نوع مالکیت، مالکیت قبیله‌ای است. این مالکیت در قسمت‌های شرق افغانستان فعال است. دوم مالکیت فئودالی است که در شمال و جنوب و غرب افغانستان

وجود دارد. سوم مالکیت تجاری است.

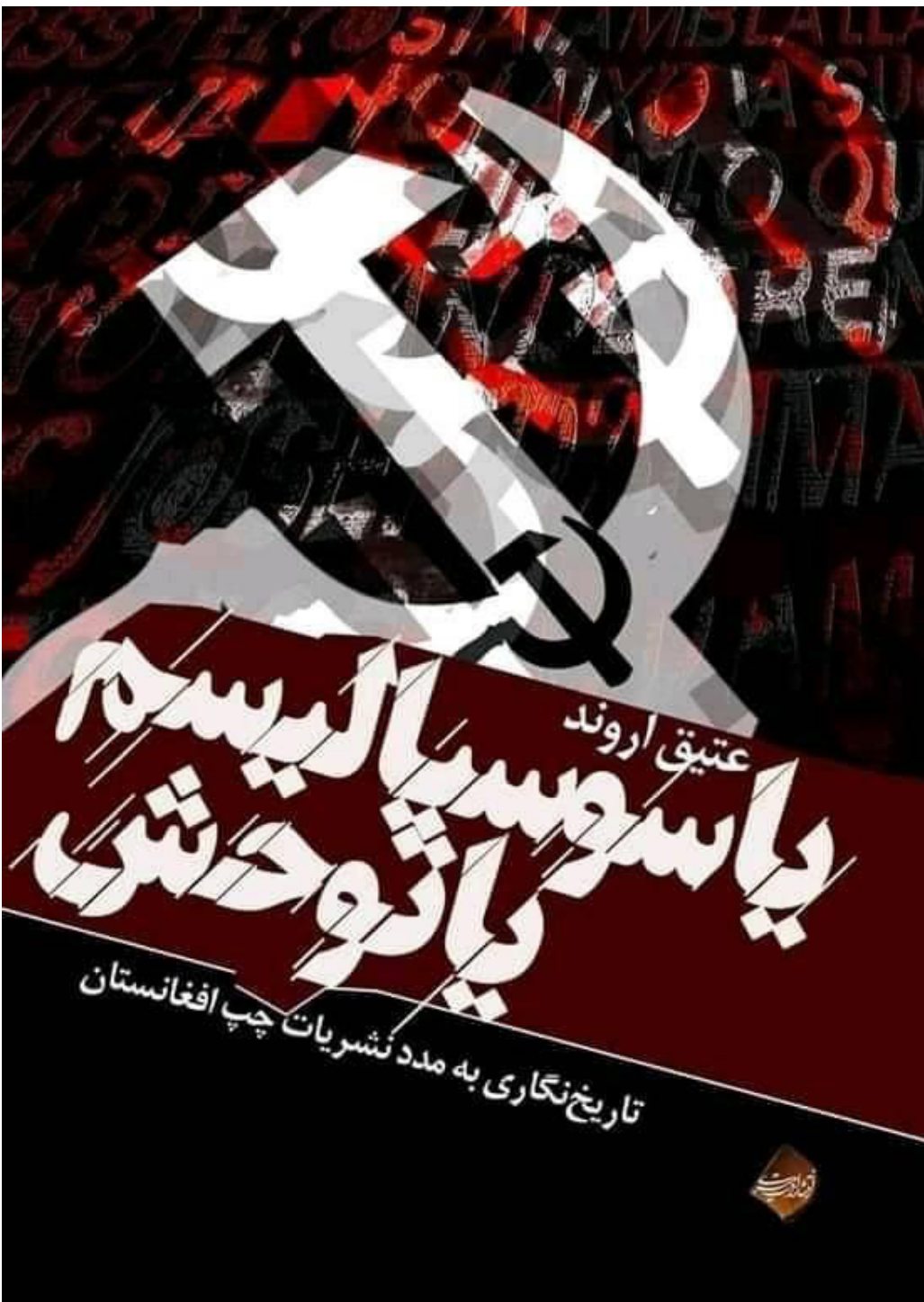
اروند می‌گوید: باور رهبران خلق و پرچم به نوعی ریشه در مباحث مارکس پیرامون فئودالیسم در انترناسیونال اول دارد. مارکس در بحث «ضرورت اجتماعی» معتقد بود که براساس یک ضرورت اجتماعی، مالکیت فئودالی به مالکیت دهقانی مبدل گردد. اشاره‌ی مارکس به اروپای پشت کرده به قرون وسطی بود. همین موضوع را رهبران خلق و پرچم به مساله «ضرورت تاریخی» پیوند زدند. اروند باور دارد اگر حزب خلق بحث را به‌جای «ضرورت تاریخی» از سطح ضرورت اجتماعی شروع می‌کرد بهتر می‌توانستند مبارزه با سنت را توجیه کنند. زیرا در مفهوم ضرورت اجتماعی، اصل بر سر شیوه‌های استحصال مایحتاج زندگی است. بحث نه از مالکیت که از معیشت دهقان یا کشتمند شروع می‌شود.

تمرکز مارکس در گام نخست بر روی نقد نظام معیشتی کشت‌مندان بود. از طرف دیگر مارکس مخالف اقدام عاجل و بدتر از آن، خشن علیه دهقانان بود. حزب خلق می‌گفت براساس شرایط تاریخی مالکیت فئودالی را تبدیل به مالکیت دهقانی کنیم. بعد زمین ظهور سرمایه‌داری فراهم می‌شود. سرانجام به سوسیالیسم و کمونیسم می‌رسیم. اما مارکس می‌گفت وقتی پرولتاریا قدرت را به دست می‌گیرد نباید چکش گرفته به سر دهقان‌ها بزنند. کاری کنید که عبور از مالکیت فئودالی به مالکیت جمعی مسالمت‌آمیز باشد. مارکس در جای دیگر می‌گوید که کاری نکنیم که اقتصاد دهقان خرد پا و متوسط رشد کند، زیرا دراین صورت به ساز باکونین رقصیده‌ایم.

خلاصه نویسنده در بحث اقتصاد سیاسی دو هدف را دنبال می‌کند:

بعضی‌ها می‌گویند جنبش چپ در افغانستان آهن سرد می‌کوبید، زیرا ایجاد یک جامعه سوسیالیستی برابانه در دل یک مناسبات سنتی و فئودالی امکان پذیر نبود. نویسنده می‌خواهد به آنها پاسخ بدهد که سرمایه‌داری در افغانستان رشد کرده بود. انباشت اولیه صورت گرفته بود. سرمایه مالی شکل گرفته و تبدیل به سرمایه صنعتی شده بود. ما در مرحله‌ی قرارداداشتم که در آن یک جامعه سوسیالیستی تحقق پیدا می‌کرد.

نویسنده می‌کوشد در بررسی اقتصاد سیاسی، استبداد سیاسی و وضعیت اجتماعی و فرهنگی افغانستان را شرح بدهد. می‌کوشد فاصله طبقاتی بین اقلیت در ناز و نعمت و اکثریت محروم و گرسنه را نشان دهد. وضعیتی که هم در بدخشان و هم در جنوب مردم مجبور شدند دختر خود را به یک بوجی گندم بفروشند. در طرف مقابل طبقه حاکم قرار داشتند. ۶ فیصد مردم که ۶۰ فیصد زمین‌های افغانستان را در اختیار گرفته بودند. غبار نوشته بود: در قطنن یک نفر ۸۰ نفر خدمه دارد. خانه افسانوی ساخته که قصرهای بغداد پیش‌اش خیرگی می‌کند.



# سینمای افغانستان؛ مصرف کننده یا تولید کننده؟

«نگاه حکومت به سینما شبیه کالای تفریحی است: ساخت و ساز فیلم اولویت ندارد»

گفتگوی هفته نامه جاده ابریشم با عباس محمدی، استاد دانشگاه و متخصص فیلم و سینما

دست تولید دارد. تاجایی که برای اولین بار جشنواره ملی فیلم افغانستان توسط افغان فیلم برگزار شد که به نوبه خود بی نظیر بود. جان تازه‌ای به سینمای افغانستان داده است.

**درخشان ترین دوره افغان فیلم کدام دوره بوده؟**

در هر دوره‌ای افغان فیلم فعالیت‌های کم یا زیاد داشته است. هر دوره‌ای هم ویژگی‌های خاص خودش را داشته است. اما فکر می‌کنم در شرایط فعلی افغان فیلم برگشته است به اصل خودش و در حال تولید نمودن فیلم است. و این می‌تواند یک شروع دوباره برای افغان فیلم و سینمای افغانستان باشد تا در آینده یک سینمای بسیار قوی داشته باشیم.

**فعلا تفاوت ما و کشور همسایه ما ایران در عرصه فیلم و سینما چقدر است؟**

نمی‌توانیم افغانستان را با ایران مقایسه کنیم. در ایران حکومت پشتوانه‌ی سینما است، روی سینما سرمایه‌گذاری می‌کند و از سینماگران حمایت می‌کند. در بسیاری از موارد بخش خصوصی روی سینما سرمایه‌گذاری می‌کند. در نقطه مقابل ایران یک کشور در حال توسعه است و افغانستان یک کشور در حال جنگ. بنابراین مقایسه کردن سینمای افغانستان با سینمای ایران فکر می‌کنم مقداری کم لطفی در حق سینمای و سینماگران افغانستانی باشد. اما با تمام این شرایط اندک فیلم‌هایی که در افغانستان توسط فیلم‌سازان افغانستانی ساخته می‌شود می‌بینیم که در جشنواره‌های بین‌المللی حضور پیدا می‌کنند.

**سینمای ایران با سینمای کشور ما همکاری داشته؟ مثلا از مخملباف بیشتر صحبت می‌شود که روی سینماگران ما تاثیر داشته است.**

سینماگران ایرانی با سینماگران افغانستانی همکاری داشته‌اند، اما نه به صورت این که برای افغانستان سینماگر پرورش دهند؛ بلکه سعی کرده‌اند با یک سینماگر در یک پروژه کار نمایند. این به اصل سینما و بنیان سینمای افغانستان کمکی نکرد فقط چند فیلم آن هم در قالب یک پروژه ساخته شد. نتیجه آن شاید ساختن یک فیلم و یا پرورش یافتن یک فیلم‌ساز باشد اما با یک یا دو فیلم‌ساز نمی‌توان گفت تاثیری در سینما به وجود می‌آورد. در اصل همکاری باید بنیادی باشد و زیرساخت‌های سینما در این همکاری‌ها مدنظر قرار بگیرد تا با آنها بتوانیم آینده‌ی سینمای افغانستان را بسازیم. **چه کسانی متاثر از مخملباف‌اند و چه فیلم‌های ساخته‌اند؟ محتوای فیلم‌ها چیست؟**

شاید اشخاص زیادی باشند که با مخملباف کار کرده‌اند یا در کنار او بوده‌اند. اما یکی از کسانی که مستقیما با مخملباف کار کرده، صدیق برمک بود که فیلم اسامه را تولید کرد. فیلم نسبتا خوبی است و در بسیاری از جشنواره‌های خارجی حضور داشت و توانست خوب بدرخشد.

**سینماگران اروپایی و آمریکایی روی سینمای افغانستان تاثیر داشته؟**

سینماگران اروپایی و آمریکایی روی سینماگران تمام دنیا تاثیر دارند. چون اصل سینما از آنها است و آنها پایه‌گذار این علم هستند. این یک امر واضح است که تمام سینماگران تحت تاثیر آنها و کارهای آنها باشند.

**فعلا چند سینما فعال است و چه فیلم‌های در آن به نمایش گذاشته می‌شوند؟ اصلا فعلا ضرورتی آن است که پارک سینماها برای نمایش فیلم اعمار و بازسازی گردد؟**

در شرایط فعلی چندان سینمایی نداریم. انگشت شمار سینماهای که در کشور وجود دارد و اکثر آنها هم فیلم‌های هندی و در برخی مواقع فیلم‌های آمریکایی پخش می‌کنند. اگر بخواهیم سینما رشد نماید و در آینده سینما و تولید فیلم داشته باشیم باید سالن‌های سینما در شهرها احداث شود. چون یکی از پشتوانه‌های سینماگران و سینمای آینده کشور همین سالن‌های سینما است.

**فیلم‌های بازاری بیشتر به چشم می‌خورد. خرید و فروش و حتی ساخت آنها. وزارت اطلاعات و فرهنگ چقدر روی چنین وضعیتی کنترل دارد؟**

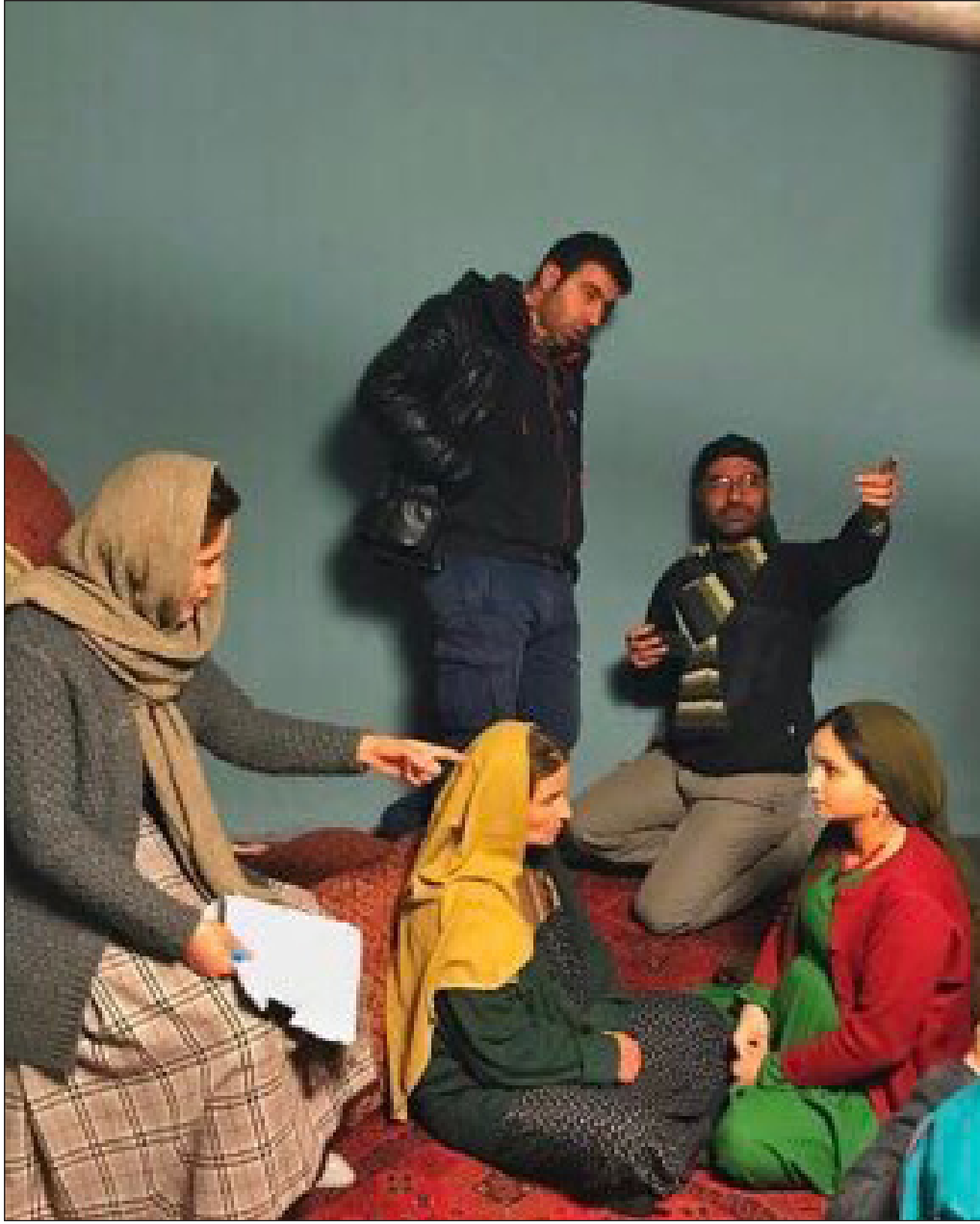
در چنین شرایطی هیچ کنترلی وجود ندارد. قانون کپی رایت وجود دارد و افغانستان هم عضو این قانون است، اما هیچ وقت این قانون در افغانستان به درستی اجرا نشد. به درستی اجرا نشدن قانون کپی رایت خودش یکی از دلایلی بود که باعث بوجود آمدن آسیب به سینما و سینماگران افغانستان شده است.

**در دانشکده هنرهای دانشگاه استادان مسلکی در بخش سینما و فیلم وجود دارد؟**

کسی که در یک دانشگاه تدریس می‌کند حتما دارای علم است و تخصص رشت ای را که به عهده دارد دارا می‌باشد. وظیفه آنها پرورش دادن متخصص برای آن رشته است. متخصص بودن و مسلکی بودن آنها را باید از دانشجویانی که به عنوان سینماگر به جامعه تحویل داده‌اند مورد بررسی قرار داد که آیا در کار خود موفق بوده‌اند یا خیر؟

**معروف ترین فیلم سازان فعلی کشور کی‌ها اند و چه فیلم‌های عرضه کرده‌اند؟**

استفاده کلمه معروف‌ترین و گمنام‌ترین شاید کلمه درستی نباشد. چون در عرصه فیلم و سینما هر کسی برای خودش دارای جایگاه است. اما کسانی مانند صدیق برمک که فیلم اسامه را ساخته و عتیق رحیمی که فیلم بانوی رود نیل را ساخته و دکتر صحرا کریمی که فیلم حوا، مریم، عایشه را ساخته و رویا سادات که فیلم نامه‌ای به رییس جمهور را ساخته، توانسته‌اند در جشنواره‌های مطرح جهان حضور پیدا کنند و برای خود جایگاهی خاص بدست آورده‌اند.



گفت دوره طلایی سینمای افغانستان دهه پنجا و شصد بوده که سینماها در کشور فعال بوده‌اند و مردم می‌توانستند با آرامش به سینما بروند و فیلم تماشا نمایند.

**فکر می‌کنم در حکومت کمونیستی رشد سینما و هنرمندان سینما تا حدود بد نبوده و فیلم‌سازان خوبی در این دوره بوده‌اند. درست؟**

بله این دوران یکی از بهترین دوره‌ها برای سینما و سینماگران افغانستان بوده و می‌توانستند با فیلم‌های خود مخاطب را به سالن‌های سینما بکشاند و آنها فیلم تماشا کنند.

**فیلم‌سازان مشهور این دوره کی‌ها بودند؟ چند فیلم در این دوره ساخته شده؟ محتوای آنها چه بوده که بدون هیچ تردیدی سینما در این دوره متاثر از ایدئولوژی چپ بوده است.**

این که بگوییم فیلم‌سازان این دوره شاید خیلی درست نباشد چون کسانی که در این دوره‌ها فیلم تولید کردند کسانی بودند که از دهه‌های قبل کار خود را شروع کرده بودند و در این دوران توانستند که با آزادی بیشتری فیلم بسازند مانند؛ لطیف احمدی و سعید ارکزی و جان محمد حیدری و اشخاص دیگری که در این دوران فیلم تولید می‌کردند. محتوای این فیلم‌ها عموما اجتماعی بوده و به مسایل روزمره می‌پرداخته‌اند. در سینما همیشه یک ایدئولوژی در پشت فیلم‌ها وجود دارد. این ایدئولوژی یا نشات گرفته از گذشته است یا تحت تاثیر فضای اجتماعی و سیاسی روز جامعه قرار می‌گیرد.

**سینما و سینماگران در زمان طالبان و مجاهدین چه وضعیتی داشتند؟**

در زمان طالبان تقریبا می‌شود گفت که سینما و تولید فیلم متوقف شد. چون با ایدئولوژی که طالبان در آن زمان داشتند سینما نمی‌توانست در ساختار حکومتی و دیدگاه آنها جایگاهی داشته باشد. از همین روی سینما در دوران حکومت طالبان متوقف شد.

سینما پارک‌های که فعلا وجود دارد در کدام زمان ساخته شده و چه فیلم‌های در اینجا به نمایش گذاشته می‌شدند؟ این سینماها در همان اوایل جان گرفتن سینما در افغانستان ساخته شده‌اند که در کنار فیلم‌های افغانستانی فیلم‌های خارجی را نمایش می‌دادند.

**سینما پارک تخریب شد به نظر شما کار خوبی بود؟ یک قتل عام فرهنگی گفته نمی‌شود؟**

سینما پارک یک مکان فرهنگی و هنری بود که قدمت تاریخی نیز داشت. بسیاری از سینماگران و مردم کابل با این سینما خاطره داشتند. در تمام دنیا مکان‌های تاریخی مرمت شده و حفظ می‌شود. تخریب کردن یک مکان فرهنگی می‌تواند به بدنه‌ی فرهنگ یک کشور آسیب بسیار بزرگ و جبران ناپذیری وارد کند. اما باید دید که با تخریب کردن این مکان آیا آن مکان دوباره به یک مکان فرهنگی تبدیل خواهد شد یا به چیز دیگری که زمان و آینده مشخص خواهد کرد.

**حالا پیشنهاد شما برای ساخت تعمیر جدید سینما پارک**

**چه تعریفی از سینما دارید؟**

سینما یعنی تصاویر متحرکی که ذهن مخاطب خود را در اختیار می‌گیرد تا به وسیله‌ی جلوه‌های تصویری پیام خود را به مخاطب انتقال دهد.

**چند نوع فیلم داریم؟ جای خواننده بودم که این فیلم عامه‌پسند است.**

اگر از این منظر به فیلم نگاه کنیم به دو دسته تقسیم می‌شود: یکی فیلم‌هایی که برای فستیوال‌ها ساخته می‌شود و عموما مخاطب خاص خود را دارد. در ساخت این فیلم‌ها سعی می‌شود تا از بالاترین و به‌روزترین علوم سینمایی استفاده شود. چنین فیلم‌هایی شاید در بازار فروش چندانی نداشته باشد و با شکست مالی مواجه شوند. اما همین فیلم‌ها از نظر علمی ارزش بالایی دارد و در دانشگاه‌ها تدریس می‌شود. بخش دیگری از فیلم‌ها هستند که بیشتر برای سینماها و مخاطب عام ساخته می‌شود که اصطلاحا به آنها فیلم‌های گیشه‌ای می‌گویند. هدف این نوع فیلم‌ها بیشتر بدست آوردن گول است. در این نوع فیلم‌ها از تکنیک‌های بسیار بالای سینمایی و علوم سینمایی بالا خیلی دیده نمی‌شود به دلیل این که برای مردم عام جامعه ساخته می‌شود و هدفش راضی ساختن مخاطب خاص خودش می‌باشد.

**سینما در یک کشور از چه اهمیتی برخوردار است؟**

این برمی‌گردد به سیاست‌های آن کشور که دولت و سیاستمداران آن و مردم آن تا چه حدی سینما و ماهیت سینما را شناخته‌اند. کشورهایی که در آن درصد مطالعه شهروندان بالا می‌باشد قطعاً سینما و ماهیت سینما برای آن‌ها مشخص است و دارای اهمیت می‌باشد. اما کشورهایی که مردم آن مطالعه چندانی ندارد در نتیجه به آن اصل ماهیت و تاثیر گذاری سینما پی‌نبرده‌اند. در نتیجه سینما برای آنها از اهمیت پایینی برخوردار است.

**در شرایط کنونی چقدر بودن سینما و سرمایه‌گذاری روی سینما مهم است؟ در حالی که همه چیز بازاری و روزمره‌گی شده است.**

وقتی بحث از بازار می‌شود یعنی فروش و سود آوری، به نوعی سینما خودش یک کالا برای بازار و فروش است؛ چون سینما یک صنعت است که می‌تواند سودآوری بسیار زیادی داشته باشد. در عین حالی که سینما یک علم و در نقطه مقابل آن می‌تواند یک ایدئولوژی باشد. ایدئولوژی که بی‌نهایت می‌تواند روی مخاطب خاص و عام تاثیرگذار باشد. از همین روی سرمایه‌گذاری روی سینما می‌تواند هم از نظر سودآوری و هم از نظر تاثیرگذاری روی جامعه دارای اهمیت باشد و می‌تواند هر دو بخش را به اهداف کلان برساند.

**در افغانستان در کدام سال سینما تاسیس شد؟ چه فیلم‌های به نمایش گذاشته می‌شدند.**

سینما در اوایل قرن بیستم وارد افغانستان شد. اولین سینمایی که در افغانستان ساخته شد و شروع کرد به پخش فیلم، سینما بهزاد بود. اولین فیلم‌هایی که پس از ورود سینما به افغانستان ساخته شد و در معرض دید مخاطبان قرار گرفت، فیلم‌های مانند عشق و دوستی و روزگاران بود که توسط سینماگران افغانستانی ساخته شد و در معرض دید تماشاگران قرار گرفت.

**موسیقی کلاسیک افغانستان که متاثر از موسیقی هندستانی است؛ سینما و فیلم نیز چنین است؟**

سینما چیزی جدا از فرهنگ یک جامعه نیست و فیلم‌های که ساخته می‌شوند نشات گرفته از فرهنگ و سنت‌های یک جامعه است. از آنجایی که فرهنگ افغانستان و هندوستان تاحدود باهم نزدیک است این باعث می‌شود که افغانستانی‌ها خود را با مردم هندوستان نزدیک احساس کنند. در نتیجه کاملا طبیعی است که از فیلم‌های هندی لذت می‌برند. همین امر در فیلم‌سازان نیز دیده می‌شود. آنها نیز بی‌تاثیر از نوع ساختار فیلم‌های هندی نخواهند بود و تحت تاثیر فیلم‌های هندی و ساختارهای هندی قرار می‌گیرند و برخی از فیلم‌سازان افغانستانی فیلم‌های خود را با ساختار هندی می‌سازند.

**اگر بپذیریم که سینمای افغانستان متاثر از سینمای هند و حتی پاکستان است. آیا کسانی را داریم که فیلم‌هایی به پیمانها فیلم‌سازان هندی ساخته باشند؟**

بسیاری از فیلم‌سازان افغانستانی که برای مخاطبان افغانستانی فیلم می‌سازند تحت تاثیر سینمای هند هستند به جز فیلم‌سازی که سعی می‌کنند فیلم را با ساختارهای غربی و آکادمیک و برای فستیوال‌ها بسازند که آنها مجبورند برای مطرح شدن در فستیوال‌ها از ساختارهای آکادمیک و غربی استفاده نمایند.

**چه مشکلات و موانعی سد راه فیلم‌سازان و سینمای افغانستان وجود دارد؟**

سینما یک حرفه بسیار پرخرج است. یکی از مهم‌ترین مشکلات سینماگران بحث مالی آن است که در افغانستان کسی برای سینما و فیلم‌سازی هزینه نمی‌کند. همین امر باعث می‌شود که هنرمندان افغانستانی نتوانند فیلم‌های با کیفیت بالا و در سطح جهانی و حتی هندستان و پاکستان تولید کنند.

**حکومت‌ها در افغانستان چه نقشی در رشد سینما داشته‌اند؟ می‌توانید بگویید که دوره‌ی طلایی سینما در افغانستان کدام دوره بوده است؟**

در شرایط فعلی کمک‌چندانی از طرف دولت به سینما و سینماگران نمی‌شود. چون تصور آنها بر این است که سینما یک کالای تفریحی است و در اولویت‌های اولیه دولت قرار ندارد. برای همین عموما فیلم‌ها با هزینه‌های شخصی توسط خود فیلم‌سازان و سینماگران تامین می‌شود. می‌توان





صاحب امتیاز: محمد احمدی  
مدیرمسئول: محمد احمدی  
سر دبیر: خالق ابراهیمی  
ویراستار: محمد رضا  
گزارشگر: علی رسالتی  
صفحه آرا: رضا رضایی  
مراکز توزیع: بامیان، غور، دایکندی، غزنی و کابل.  
قیمت: ۱۵ افغانی، تیواژ: ۲۰۰۰

یادنامه یادرفنگان

# جاده

هفته نامه

● Saturday ● December 5, 2020 ● No. 172 ● Vol. 5

● سال پنجم ● شماره ۱۷۲ ● شنبه ۱۵ قوس ۱۳۹۹



## EASY LOAD

### Simple & Fast

## با ایزی لود

در هر مکان و هر زمان

هر مقدار که خواسته باشی

به هر شماره میتوانی کریدت خریداری نمایی

برای فعال سازی کفایت با ما در تماس

شوید و حساب میتیو افتتاح نماید

**CREATE NOW**

☎ 0799 82 40 30

🌐 Easyload.af

ایزی لود ساده و سریع



### ADVERTISEMENT

#### Summons

**Case No:** FC2020-003330  
SUPERIOR COURT OF ARIZONA  
IN MARICOPA COUNTY  
Tahmina Besmel  
Name of Petitioner/Party A  
And  
Sear Tahir  
Name of respondent/Party B

**WARNING:** This is an official document from the court that affects your rights. Read this carefully. If you do not understand it, contact a lawyer for help.

FROM THE STATE OF ARIZONA  
To: Sear Tahir

1. A lawsuit has been filed against you. A copy of the lawsuit and other court papers are served on you with this "Summons."
2. If you do not want a judgment or order entered against you without your input, you must file a written "Answer" or a "Response" with the court, and pay the filing fee. Also, the other party may be granted their request by the Court if you do not file an "Answer" or "Response", or show up in court. To file your "Answer" or "Response" take, or send, it to the:
  - Office of the Clerk of Superior Court, 201 West Jefferson Street, Phoenix, Arizona 85003-2205 OR
  - Office of the Clerk of Superior Court, 18380 North 40th Street, Phoenix, Arizona 85032 OR
  - Office of the Clerk of Superior Court, 222 East

Javelina Avenue, Mesa, Arizona 85210-6201 OR  
· Office of the Clerk of Superior Court, 14264 West Tierra Buena Lane, Surprise, Arizona 85374. After filing, mail a copy of your "Response" or "Answer" to the other party at their current address  
3. If this "Summons" and the other court papers were served on you by a registered process server or the Sheriff within the State of Arizona, your "Response" or "Answer" must be filed within TWENTY (20) CALENDAR DAYS from the date you were served, not counting the day you were served. If you were served by "Acceptance of Service" within the State of Arizona, your "Response" or "Answer" must be filed within TWENTY (20) CALENDAR DAYS from the date that the "Acceptance of Service" was filed with the Clerk of Superior Court. If this "Summons" and the other papers were served on you by a registered process server or the Sheriff outside the State of Arizona, your Response must be filed within THIRTY (30) CALENDAR DAYS from the date you were served, not counting the day you were served. If you were served by "Acceptance of Service" outside the State of Arizona, your "Response" or "Answer" must be filed within THIRTY (30) CALENDAR DAYS from the date that the "Acceptance of Service" was filed with the Clerk of Superior Court. Service by a registered process server or the Sheriff is complete when made. Service by Publication is complete thirty (30) days after the date of the first publication.  
4. You can get a copy of the court papers filed in

this case from the Petitioner at the address listed at the top of the preceding page, or from the Clerk of Superior Court's Customer Service Center at:  
· 601 West Jackson, Phoenix, Arizona 85003  
· 18380 North 40th Street, Phoenix, Arizona 85032  
· 222 East Javelina Avenue, Mesa, Arizona 85210  
· 14264 West Tierra Buena Lane, Surprise, Arizona 85374.  
5. If this is an action for dissolution (divorce), legal separation or annulment, either or both spouses may file a Petition for Conciliation for the purpose of determining whether there is any mutual interest in preserving the marriage or for Mediation to attempt to settle disputes concerning legal decision-making (legal custody) and parenting time issues regarding minor children.  
6. Requests for reasonable accommodation for persons with disabilities must be made to the division assigned to the case by the party needing accommodation or his/her counsel at least three (3) judicial days in advance of a scheduled proceeding.  
7. Requests for an interpreter for persons with limited English proficiency must be made to the division assigned to the case by the party needing the interpreter and/or translator or his/her counsel at least ten (10) judicial days in advance of a scheduled court proceeding.  
SIGNED AND SEALED this date June 1st 2020  
CLERK OF SUPERIOR COURT

M.PATTERSON  
DEPUTY CLERK  
11/28/2020,12/05/2020,12/12/2020,12/19/2020